کد خبر: ۴۵۹۱۶۸
چهارشنبه ۵ بهمن ۱۴۰۱ ۹:۳۰

«زمان خدای پیر» سباستین بری به زودی منتشر می شود

رمان جدید سباستین بَری نویسنده مشهور ایرلندی با نام «زمان خدای پیر» به زودی وارد بازار کتاب می‌شود.

به گزارش سایت خبری پرسون، به نقل از پابلیشرز ویکلی، یک بعداز ظهر سرد در دهکده کوچک «موین» با فاصله یک ساعت و نیم از دوبلین، سباستین بری، نویسنده ایرلندی، در خانه‌ای که متعلق به قرن نوزدهم است و پس از تغییر کاربری ۲۰ سالی است که مامن وی شده، نشسته است و از طریق زوم درباره کتاب جدیدش صحبت می‌کند.

بَری یکی از چهره‌های تحسین‌شده ادبیات معاصر ایرلند، شاعر، نمایشنامه‌نویس و رمان‌نویس است. وی ۲ بار در فهرست نهایی جایزه بوکر بوده و از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۱ برنده جایزه ادبیات داستانی ایرلند شد و در ژانویه سال ۲۰۱۷ برای «روزهای بدون پایان» جایزه کتاب سال کاستا و برای دومین بار جایزه سر والتر اسکات را دریافت کرد.

وی در آثارش به گذشته تاریخی ایرلند و زندگی اجدادش می‌پردازد و به گفته «وایکینک» ناشر آثار وی بیش از ۳۵۰ هزار نسخه از رمان‌های این نویسنده با ترجمه به بیش از ۴۰ زبان، در سراسر جهان به فروش رسیده است.

نهمین رمان وی با عنوان «زمان خدای پیر» قرار است ماه مارس منتشر شود. این رمان درباره یک افسر پلیس بازنشسته و همسرمرده است که با اکراه وارد تحقیقات مربوط به قتل کشیشی می‌شود که متهم به آزار کودکان بود.

شخصیت اصلی کتاب، مردی که حافظ اسرار است، را بری بر مبنای شخصیتی خلق کرده که سال ۱۹۶۴ و زمانی که ۹ ساله بود دید. می‌گوید: یک روز وقتی داشتم در اطراف ساحل پرسه می‌زدم، از دری که باز بود داخل خانه‌ای را دید زدم و دیدم مردی تنها روی صندلی حصیری نشسته و به دریا نگاه می‌کند و سیگار می‌کشد.

نویسنده به یاد می‌آورد که چهره مرد بی‌نهایت راضی به نظر می‌رسید و می‌گوید دیگر هرگز او را ندید. وی می‌افزاید: اما ۵۰ سال فکرم را به خود مشغول کرده بود که او آنجا چه کار می‌کرد. شاید فردی بازنشسته بود و حالا که خودم هم به سن بازنشستگی رسیده‌ام- هر چند نویسندگان هرگز بازنشسته نمی‌شوند- از این در شگفتم که او شخصیت کتابم شده است.

بری سال ۱۹۵۵ در دوبلین متولد شده و تا ۸ سالگی تلاشی برای خواندن و نوشتن نکرد. می‌گوید: وقتی یاد گرفتم، دیگر هیچ چیز مانعم نبود. مثل یک پونی وحشی همه چیز را می‌خواندم.

دوران کودکی نویسنده پر بود از فراز و نشیب و درام. می‌گوید: مادرم بازیگر تئاتر و پدرم معماری خودشیفته بود. یک خانواده غیرمتعارف که مادر همه عصرهایش را بیرون بود و شب دیر برمی‌گشت و مرا با این فکر تنها می‌گذاشت که چرا مادران دیگر در خانه هستند، آنها هم باید به تئاتر بروند. در نظرم صحنه نسخه دیگری از واقعیت بود و پدرم هم زندگی به هم ریخته‌ای داشت؛ خانه ما مثل کشتی بدون لنگری بود که در اقیانوسی از چیزهای خوب و زشت شناور بود.

بری در کالج ترینیتی دوبلین در رشته زبان انگلیسی و لاتین تحصیل کرد و با فارغ‌التحصیل شدن در سال ۱۹۷۷، از آنجا که کار پیدا نمی‌کرد، به نوشتن داستان روی آورد. او از آن دوره چنین یاد می‌کند: ما در دهه ۱۹۷۰ در مورد شغل شنیده بودیم و می‌دانستیم جایی در جهان شغل وجود دارد، اما اینجا وجود نداشت. این بود که باید یا کشور را ترک می‌کردی یا در اتاقی می‌نشستی و می‌نوشتی.

در آن زمان کار نویسنده جمع‌آوری افسانه‌های خانوادگی بود. می‌گوید: مادر من داستان‌های وحشتناکی درباره دوران کودکی‌اش تعریف می‌کرد، و پدربزرگم بهترین کانال سرگرمی بود که می‌توانستی به آن دسترسی داشته باشی. اما پدر بری از نظر عاطفی از خانواده دور بود و چندان کاری با خانواده‌اش نداشت؛ «حتی در پیاده‌روی‌ها خیلی جلوتر از ما قدم برمی‌داشت». عمه دوست‌داشتنی او اما، الهام‌بخش رمان «آنی دان» در سال ۲۰۰۲، چراغ راهنمای وی بود. می‌گوید: نحوه صحبت کردن او یک چیز فیزیکی بود. تقریباً می‌توانستی ببینی دیالوگ او فضا را اشغال می‌کند. او برایم معلم نویسندگی خلاق بود.

پل اسلواکی، ویراستار بری در انتشارات «وایکینگ»، آثار وی را برای زیبایی و شعر جاری بر زبانش و توانایی‌اش برای حفاری در حفره‌های قلب انسان تحسین می‌کند. اسلواکی می‌گوید: سباستین استعدادی خاص برای تصویر و استعاره دارد، کتاب‌های او به اوج عاطفی می‌رسند و نویسندگان زیادی نیستند که بتوانند با او برابری کنند.

ناتاشا فیرودر کارگزار ادبی بری او را نابغه می‌خواند و می‌گوید او وحشتناک‌ترین آزمون‌ها را سر راه شخصیت‌هایش قرار می‌دهد - آسیب‌های دوران کودکی، سوءاستفاده‌های مختلف و جنگ - و با این حال عشق او به انسانیت و اعتقادش به قدرت عشق موجب می‌شود تا تجربه خواندن کتاب‌هایش

عمیقاً رضایت‌بخش باشد.

گذشته در ۴ دهه مضمون اصلی آثار بری را تشکیل داده است و خاطرات و فراموشی محبوب‌ترین موضوع‌های آثار او هستند. اصلاً همین اندیشیدن به گذشته است که باعث شده او با زمان حال ارتباط بیشتری داشته باشد. می‌گوید: «مرگ یک لحظه است، اما یکی از لحظه‌های بی‌شمار است و من به تمام لحظات دیگر نیز علاقه دارم. او خداحافظی را دوست ندارد و هرگز در مراسم تشییع جنازه شرکت نمی‌کند -او حتی در مراسم مرگ والدینش شرکت نکرد. می‌گوید فقط حس دوست داشتنی قدردانی نیست که وجود دارد. شاید ترسناک باشم، اما هر کسی باید وحشت‌های خودش را هم داشته باشد. درس دیگری که در زندگی یاد می‌گیری این است که: همان قانون شکنی باش که هستی.

بری بیش از ۳۰ سال است که با فیلمنامه نویس آلیسون دیگان ازدواج کرده و پدر ۳ فرزند است. می‌گوید: حتی اگر استعدادش را هم نداشته باشید، شدیداً عشق بورزید. کافی نیست که با خیال راحت از کنار هم عبور کنیم و با هم کنار بیاییم. باید عمیقاً یکدیگر را دوست داشته باشیم.

وقتی بری مشغول نوشتن نیست دوست دارد از کوه نزدیک خانه‌اش بدود و بالا برود تا کله‌اش را خالی کند. می‌گوید: حدود دو کیلومتر بالا می‌روی و دو کیلومتر پایین می‌آیی. بالا رفتن رنج زندگی است و پایین آمدن شادی. هرگز دونده نبوده‌ام، اما این کار را انجام می‌دهم زیرا فکر می‌کنم بالا و پایین بردن کالبد قدیمی، داروی خوبی است.

وقتی مصاحبه به پایان می‌رسد، بری صدایی را در اتاق کناری می‌شنود و لبخند می‌زند. می‌گوید: همسرم به خانه آمد. حالا باید ببینیم کداممان باید شام بپزد و بعدش می‌نشینیم کنار بخاری و کتاب می‌خوانیم و احساس می‌کنیم چقدر خوش بختیم.

آخرین کتابی که بری منتشر کرده بود «یک هزار ماه» در سال ۲۰۲۰ بود. شماری از کتاب‌های وی به فارسی نیز ترجمه شده‌اند که «آدم حسابی موقتی»، «آنی دان»، «روزهای بی‌پایان» و «بر کرانه کنعان» از جمله آنها هستند.